



دوم را تر میم کرده و به سوی اقتصاد بهتر حرکت کنند. از همین برنامه بود که نقشه کمک‌های ضد کمونیستی به نام اصل مارشال کار خود را از ژوئن سال ۱۹۴۷ آغاز کرد. بر طبق تصمیم گرفته شده کشور آمریکا ۱۷ میلیارد دلار را برای کمک به کشورهای اروپای غربی اختصاص داد. ضمن آنکه کمک‌ها به فوریت آغاز شد.

واهمه از روسیه و تاسیس ناتو

آنگاه که بازسازی ممالک اروپایی آغاز شد، رهبران این کشورها از آن واهمه داشتند که قبل از آنکه نیروهای دفاعی در اروپای غربی آماده شوند، روسها حمله به آنان را شروع کنند. حال برای جلوگیری از چنین حمله زود هنگامی بود که آمریکا و کشورهای اروپای غربی، پیمان ناتو را در سال ۱۹۴۹، راه اندازی کردند. ناتو در واقع از حروف اول کلمات سازمان پیمان آتلانتیک شمالی تشکیل می‌شود که البته منظور از آتلانتیک شمالی همانا شمال اقیانوس اطلس می‌باشد. پیمان ناتو در واقع یک پیمان صرفاً نظامی بود که در آن علاوه بر کشورهای اروپای غربی، آمریکا و کانادا هم عضویت داشتند. این پیمان دفاع در برابر هر گونه تجاوز از جانب روسیه را تضمین می‌کرد. از همه مهمتر این بود که پیمان ناتو، کشورهای اروپای غربی را هم از نقطه نظر سلاح اتمی در زیر چتر حمایت آمریکا قرار داد.

پیمان ورشو بر ضد پیمان ناتو

بلافاصله پس از شکل‌گیری ناتو، برای مقابله به مثل، این کشورهای اروپای شرقی بودند که به اتفاق شوروی، پیمانی را راه‌اندازی کردند که در ابتدا نام آن را پیمان همکاری اقتصادی گذاشتند، اما پس از چند سال یعنی در سال ۱۹۵۵ آن را تبدیل به پیمان ورشو کردند چرا که نمایندگان کشورهای اروپای شرقی و شوروی در ورشو پایتخت لهستان گرد آمده و با یکدیگر پیمان نظامی بستند که نام پیمان ورشو روی آن گذاشته شد. بنابراین خیلی زود سرتاسر اروپا تبدیل به دو کمپ نظامی شد. پیمان ناتو از سویی و پیمان ورشو از سوی دیگر و جالب اینکه هدف نهایی هر کدام هم نابودی دیگری بود. البته زمانی که پیمان ناتو به امضاء می‌رسید، آمریکا تنها قدرت اتمی جهان به شمار می‌رفت. اما در مدت چند ماه، شوروی هم با انجام یک آزمایش موفقیت آمیز، سلاح اتمی خود را منفجر ساخت و شوروی هم به یک قدرت اتمی تبدیل شد. بنابراین هر دو پیمان یعنی ناتو و ورشو که در برابر یکدیگر قرار گرفته بودند، اکنون به قدرت اتمی هم تبدیل شده بودند.

کلنی‌ها و استقلال

حتی قبل از آغاز جنگ جهانی دوم هم کاملاً

مشخص بود که حرکتهای استقلال طلبانه در آسیا و در میان کلنی‌های متعلق به قدرتهای بزرگ، به زودی آغاز می‌شود. در این میان بخصوص بریتانیا و فرانسه، در پایان جنگ جهانی دوم خود را مواجه با جنبش‌های استقلال طلبانه یافتند. بریتانیا در هند که بزرگترین کلنی در جهان به شمار می‌رفت خود را مواجه با جنبش‌های بدون خونریزی یافته بود. از سوی دیگر فرانسه در سراسر آسیای جنوب شرقی و سرزمین‌هایی چون ویتنام، کامبوج و لائوس، خود را مواجه با جنبش‌های استقلال طلبانه یافته بود. در موردی دیگر هم آمریکا بر آن شد تا فیلیپین را صاحب استقلال کند. اما آنگاه که جنگ جهانی دوم آغاز شد و ژاپن کلنی‌های آسیایی را یکی پس از دیگری اشغال کرد، اگر چه در ابتدا خود را هم نژاد با آسیایی‌ها تلقی می‌کرد و قول آزادی به آنها می‌داد، اما بعد بدرفتاری ژاپنی‌ها در مقابل مردمان آسیای جنوب شرقی باعث شد تا بسیاری از جنبش‌های استقلال طلبانه در درجه اول ژاپن را به عنوان دشمن خود در نظر گرفته و در نتیجه تا صاحبان کلنی‌ها و بر علیه ژاپنی‌ها پیمان برادری بستند و در طول جنگ جهانی دوم این همبستگی میان جنبش‌های استقلال طلبانه و کشورهای صاحب کلنی برای اخراج ژاپنی‌ها از سرزمین‌های آنها، ادامه پیدا کرد.



خوشحالی نظامیان متفقین پس از اعلام تسلیم ژاپن و پایان جنگ جهانی دوم

آغاز استقلال‌ها

پس از پایان جنگ، آهسته آهسته استقلال سرزمین‌های آسیای شرقی آغاز شد. ابتدا این فیلیپین بود که از آمریکا استقلال خود را دریافت کرد، اما با این شرط که آمریکا پایگاه‌های نظامی خود را در فیلیپین حفظ کند. اما در برخی سرزمین‌ها استقلال طلبی با صلح و آرامش پیش نرفت. در ویتنام، کامبوج و لائوس، جنبش‌های نظامی بر علیه فرانسه آغاز شد که به کشتار وحشیانه مردم آسیای شرقی هم منجر شد. اما از همه مهمتر، این جنبش استقلال طلبانه در هند بود که ناگهان از یک جنبش توأم با صلح و آرامش، تبدیل به حرکتی خشونت‌بار شد که از چند سوی با ضدیت‌ها مواجه شد. از سویی هند به دنبال استقلال خود از انگلستان بودند و از سوی دیگر مسلمانان هندی هم استقلال مجزایی را برای خود می‌خواستند و چنین شد که با ظهور شخص بزرگی چون گاندی، مبارزات استقلال طلبانه در هند آغاز شد که در هفته آینده به این جنبش عظیم می‌پردازیم.

و حزب کمونیست چین گشت. این در حالی بود که دیگر رهبر چین یعنی «چیانکای چک» به جزیره بزرگ چین یعنی فرمز (تایوان) گریخت و در آنجا حکومت مستقل خود را با نام چین ملی راه‌اندازی کرد که هنوز هم حتی پس از مرگ چیانکای چک که سالها پیش تر اتفاق افتاد، این کشور و حکومت به کار خود ادامه داده است.

اصل مارشال

پس از آنکه ترومن، برنامه محدود کردن کمونیسم را اعلام کرد، نخستین نگرانی دولتمردان آمریکا این بود که اروپای منهدم شده و تخریب شده بر اثر جنگ جهانی دوم ممکن است بهترین فرصت را برای کمونیست‌ها فراهم آورد تا روی مردمانی که همه چیز خود را از دست داده بودند نفوذ کرده و در نتیجه کمونیسم را در اروپا گسترش دهند. بویژه این جرج مارشال وزیر خارجه آمریکا بود که در یک جمله مشهور اعلام کرد که به اروپا باید تا سر حد توانایی کمک کرد و این کمک باید سیاسی، اقتصادی و نظامی باشد تا سد و مانع در برابر کمونیسم، در مستحکم‌ترین شرایط ایجاد شود. در نتیجه آمریکا خیلی زود، کمک‌های بسیار هنگفت به شانزده کشور اروپایی را آغاز کرد تا آنها هر چه زودتر خرابی‌های جنگ جهانی



«شی‌جه میکسو» وزیر خارجه ژاپن در هنگام امضای سند تسلیم بدون قید و شرط ژاپن روی رزمناو میسوری در برابر ژنرال مک آرتور